

بررسی صور خیال در غزلیات فرخی یزدی* به عنوان ویژگی سبک خاص او

محمدجواد عرفانی بیضائی
استادیار دانشگاه پیام نور مشهد

چکیده

یکی از ویژگی‌های مهم و برجسته ادبی درهر شعر، جدا از مسأله مضامین موجود در شعر، صور خیال آن است؛ زیرا چنانکه می‌دانیم تقریباً همه صاحب‌نظران متفق‌القول هستند که آنچه شعر را از هر کلام دیگر جز آن متمایز می‌سازد، صور خیال آن است.

نگارنده در این مقاله، ضمن بررسی صور خیال در غزلیات فرخی به عنوان ویژگی سبک خاص او، با بیان آماری به کارگیری انواع صور خیال در شعر فرخی، ابتکار عمل فرخی را در به کارگیری صور خیال، عامل مؤثری در تمایز شعر او با شعر دیگر شاعران می‌داند.

کلید واژه‌ها: فرخی یزدی، صور خیال، تشبیه، مجاز، استعاره، شعر بیداری

تقریباً همه به این نکته بسیار مهم و بارز درباره فرخی یزدی اشاره کرده‌اند که او شاعری آزادی‌خواه و مبارز بود که برای مبارزه با استبداد و بی‌عدالتی در جامعه تلاش می‌کرد؛ اشعار او هم بیشتر همین مضمون را دارد، زندگینامه و شرح حال خود او نیز مؤید این امر هست که وی عمر خود را وقف مبارزات سیاسی و آزادی‌خواهی کرده است.

از شعر او نیز می‌توان این نکته را دریافت. چرا که بیشتر اشعار او، مضمون مبارزه با ستم و آزادی‌خواهی را بیان می‌دارد؛ اما از طریق مطالعه سبک شناسانه آثار او نیز می‌توان این ویژگی را تأیید کرد. بسامد بالای استعمال واژه‌هایی نظیر آزادی، حق کارگر، ستم سرمایه‌دار و ... این امر را بخوبی نشان می‌دهد.

یکی از ویژگی های مهم و برجسته ادبی در هر شعر - جدا از مسأله مضامین موجود در شعر - صور خیال آن است؛ زیرا چنان که می دانیم تقریباً همه صاحب نظران متفق القول هستند که آنچه شعر را از هر کلام دیگری جز آن متمایز می سازد، صور خیال آن است؛ بنابراین قطعاً شکل خاص به کارگیری صور خیال از سوی هر شاعری، نه تنها سبک ادبی او را مشخص می سازد، بلکه اگر آن شاعر مبتکر باشد و اندیشه ای متمایز از دیگران داشته باشد قطعاً صور خیال شعر او نیز با شعر دیگران تفاوت های آشکاری دارد.

مثلاً استعاره های موجود در شاهنامه فردوسی - و نه مضامین آن - نشان دهنده حاکمیت روح حماسی در آن اثر ارجمند است و شاعری چون سعدی هرچند در بوستان خواسته است به نوعی شعر حماسی بسراید، اما صور خیال او کاملاً گویای نگرش غنایی آن سخنور سترگ است، مثلاً آنجا که می گوید:

چنان خسار در گل ندیدم که رفت / که بیگان او در سپرهای زلفت

در تشبیهی که کرده است «مشبه به» فرورفتن خار در گل است و کاملاً مشخص است که این تشبیه به لحاظ «مشبه به» تشبیهی است که بیشتر جنبه غنایی دارد تا حماسی.

صور خیال موجود در غزلیات فرخی یزدی نیز غالباً به نوعی برگرفته از همان اموری است که او عمر خود را وقف آنها کرده بود؛ بخصوص در تشبیهات او معمولاً یکی از طرفین تشبیه برگرفته از امور مذکور است. به عنوان مثال در تشبیه زیر «مشبه» تشبیه آزادی است:

دوش زیر بار آزادی چه سنگین گشت دوش / تا قیامت زیر بار منت دوشیم ما

(دبران، ۴۸)

با تحلیل صور خیال شعر فرخی و ذکر بسامد کاربرد صور خیالی که این ویژگی را دارند اولاً می توان یکی از مختصات سبک فردی بسیار قوی فرخی یزدی را نشان داد و



ثانیاً با استفاده از این اطلاعات سبک شناسانه شعر او، نگرش خاص وی و اندیشه ظلم‌ستیزی او را با ابزارهای علمی دقیق تبیین و تحلیل نمود.

فرخی یزدی در مجموع ۱۲۵۱ بیت شعری که کلّ غزلیات او را شامل می‌شود، ۴۸۵ صورت خیالی را به کار گرفته است، که از این میان ۲۶۵ مورد تشبیه، ۸۱ مورد استعاره، ۹۳ مورد کنایه و ۴۴ مورد مجاز است. چنانکه مشخص است توجه ویژه او به تشبیه به عنوان ابزاری برای تخییل، معلوم می‌دارد که بسامد بالای تشبیه در شعر او را باید به عنوان یک ویژگی سبکی بارز به شمار آورد، بنابراین ما هم بیشتر به بررسی و تحلیل تشبیهات شعر او می‌پردازیم، اما قبل از آن به چگونگی سایر صور خیال موجود در شعر او نیز اشاره‌ای می‌کنیم.

از مجموع استعاره‌های شعر وی ۲۵ مورد استعاره‌هایی هستند که یا براساس یکی از عناصر آزادی‌خواهانه ساخته شده‌اند و یا استعاره‌ای بدیع به شمار می‌آیند و ۵۶ مورد استعارات تکراری و متداول در ادبیات فارسی هستند. اکنون چند نمونه از استعاره‌هایی را که با عناصر آزادی‌خواهانه ساخته شده‌اند ذکر می‌کنیم:

مارهای مجلسی دارای زهری مه‌کنند / الحذر باری از آن مجلس که دارد مارها

(دیوان، ۴۶)

در این بیت شاعر، مارهای مجلسی را به عنوان استعاره از وکلایی به کار برده است که به جای آنکه به فکر مردم باشند با عملکرد ناهنجار خود موجب آزار مردم می‌شوند. دفع این کفتارها گفتار نتواند نمود / از ره کردار بساید دفع این کفتارها

(دیوان، ۴۶)

در این بیت نیز کفتار، استعاره از وکلای سودجویی است که به جای آنکه نماینده واقعی مردم باشند، همچون کفتار در صدد غارت اموال عمومی هستند.

چرا چون نافه آهر نگرده خون، دل دانا / در آن کشور که پشک ارزان کند مشک تئاری را

(دیوان، ۴۴)

پشک و مشک هر دو استعاره هستند، اولی از انسانهای بی‌ارزش و دومی از انسانهای ارزشمند.



وکالت چون وزارت شد در دین نام اشرافی چه خوب آموختند این قوم، علم خرسواری را

(دیوان، ۴۴)

علم خرسواری استعاره است از استحمار و بهره‌کشی از خلق که کاملاً جنبه استبدادستیزی دارد.

از قوام و بستگانش دیپلم باید گرفت در خیانت داد هر کس امتحان فتنه را

(دیوان، ۴۵)

در این بیت، فتنه استعاره مکنیه است از درسی که باید در آن امتحان داد.

فرخی در چند مورد ضحاک یا مار دوش را به عنوان استعاره از حاکمان ستمگر به کار برده است و پورکاوه را به عنوان استعاره از کارگران مبارز، از جمله:

تا بیرون آرم دمار از آن گروه سار دوش تربیت همسروش پسر آبتینم کرده است

(دیوان، ۶۴)

عید نوروزی که از بیداد ضحاکم عزاست هر که شادی می‌کند از دوده جمشید نیست

(دیوان، ۶۸)

خونریزی ضحاک در این ملک فزون گشت کواکوه که چرمی به سر چوب نماید

(دیوان، ۹۴)

زانستخاب چوکاری نمی‌رود از پیش به پورکاوه بگو فکر انقلاب کنند

(دیوان، ۱۰۶)

دل از خون سردی نوپا و گان کواوه پر خون شد شقاوت پیشه‌ای خونریز چون ضحاک می‌خواهم

(دیوان، ۱۳۱)

در تعبیری دیگر، حکام ستمگر را بالاستعاره اهریمن، فرعون و یا ناخدا خوانده است:

کشتی ما را خدا یا ناخدا از هم شکست با وجود آنکه کشتی را خداوندیم ما

(دیوان، ۴۳)

در بیتی از یک غزل ترکیب اهریمن استبداد را به کار برده است که هم می‌توان آن را تشبیه بلیغی دانست که به وسیله آن استبداد به اهریمن تشبیه شده است و هم استعاره‌ای که در آن شاه یا حاکم ستمگر اراده شده است:



اهریمن استبداد آزادی ما را کشت نه صبر و سکون جایز نه حوصله باید کرد
(دیوان، ۸۱)

در جایی دیگر با تلمیح به ماجرای حضرت موسی (ع) و فرعون، فراعنه را استعاره
از حکام ستمگر آورده است:

با آنکه گشت قبطی گیتی غریق نیل در مصر ما فراعنه فرمانروا هنوز
(دیوان، ۱۱۲)

فرخی ۴۸ کنایه جدید و غریب در شعر خود به کار برده است که «مکنی عنه» همه
آن موارد یکی از موضوعات انقلابی، سیاسی و یا آزادی خواهانه است که از ویژگی های شعر
این دوره و نیز سبک فرخی یزدی محسوب می گردد. مثلاً در بیتی از یک غزل گفته است:

در سیاست آنکه شاگرد است طفل مکتبی را کی به استادی تواند خویش سازد اجنبی را
(دیوان، ۴۳)

مصراع اول این بیت کنایه است از مبتدی بودن و عدم توانایی سیاستمداران مدّعی و
در جای دیگر چنین سروده است:

گوبه فامیل خیانت، چشم خود را باز کن هر که می خواهد شناسد دودمان فتنه را
(دیوان، ۴۵)

با توجه به بیت پیش از این بیت که به صورت زیر سروده شده است:

از قوام و بستگانش دیپلم باید گرفت در خیانت داد هر کس امتحان فتنه را
(دیوان، ۴۵)

«فامیل خیانت» کنایه است از قوام و بستگان او. در تبیین آزادگی خود، بیتی سروده است که یادآور این بیت معروف حافظ است که
فرمود:

چرخ برهم زخم از جز به مرادم گردد من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک
جز آنکه در بیت فرخی بیان بلند همتی شاعر به وسیله یک کنایه صورت گرفته و آن

بیت چنین است:

همین بس است ز آزادگی نشانه ما که زیر بار فلک هم نرفته شانه ما
(دیوان، ۴۹)



«ظالم مظلوم کش» در بیت زیر کنایه از حاکم ستمگر است:

بی‌گناهی گربه زندان مُرد با حال تباہ / ظالم مظلوم کش هم تا ابد جاوید نیست

(دیوان، ۶۸)

در بیتی نام «مجلس اشراف» و لردهای انگلیس را با کنایه ذکر کرده است؛ اصلاً توجه به مسائل سیاسی، بخصوص سیاست بین‌الملل، از ویژگی‌های شعر این عهد و نیز از خصایص شعر فرخی است:

فته در پنجه یک سلسله لرد است و مدام / کار آن سلسله جز سلسله جنایتی نیست

(دیوان، ۷۲)

در بیتی از غزلی که در زندان قصر سروده، رضاخان را با کنایه‌ای طنزآمیز «خسرو شیرین کار» خوانده است:

خسرو کشور ما تا بود این شیرین کار / لاله‌سان دیده مردم همه گلگون باشد

(دیوان، ۸۰)

در جای دیگر با تعبیری شجاعانه هیأت حاکمه و اتباع ایشان را بالکنایه یک دسته عیاش خوانده است:

بافشاری پی حق خود اگر ملت داشت / مال او غارت بک دسته عیاش نبود

(دیوان، ۹۷)

فرخی جنایات ستمگران را با بی‌پروایی تحسین‌برانگیزی افشا می‌کرد. از جمله ماجرای نبش قبر محمدتقی‌خان پسیان را بالکنایه چنین ذکر کرده است:

با چنین زندگی آری به خدا می‌مردم / اگر این جنایتی بی‌عاطفه «نبش» نبود

(دیوان، ۹۷)

استحمار و بهره‌کشی سرمایه‌داران از مستضعفان و محرومان را با کنایه‌ای بدیع به این صورت بیان داشته است:

ریزد عرق هر آنچه ز پیشانی فقیر / سرمایه‌دار جای می‌ناب می‌خورد

(دیوان، ۱۰۰)

رنج و زحمت دهقان و آسودگی و بی‌توجهی مالک را با کنایه‌ای ظریف این گونه گفته است:

بر لب دریاچه‌های پارک‌ای مالک منهد / بین چه سان از گربه، دهقان آبیاری می‌کند

(دیوان، ۱۰۰)



کاربرد کنایه «آب رز» به معنی شراب چندان بدیع نیست و پیش از فرخی نیز سابقه داشته است و همچنین است عبارت «خون کسی را در شیشه کردن» که کنایه است از به رنج افکندن و تحت فشار قرار دادن او، اما همین کنایات تکراری وقتی در بافت سخن بدیع فرخی واقع می‌شود، همگام با دیگر عناصر شعر او، در خدمت نوآوری او در سخن قرار می‌گیرد، چنانکه گفته است:

گر آب رزت باید ای مالک بی‌انصاف خون دل دهمان را در شیشه نباید کرد
(دیوان، ۱۰۳)

بی‌لیاقتی و عدم شایستگی شاه را با کنایه‌ای که نیشدارتر از سخن صریح است بیان می‌دارد:

بی‌سرورپایی که داد از دست او بر چرخ رفت کسی سزاوار نگین و درخسور اورنگ بود
(دیوان، ۱۱۰)

مجاز‌هایی که در شعر فرخی آمده است بیشتر از نوع اسنادهای مجازی و به تعبیر بدیعی آن صنعت تشخیص است و تعداد آنها از سایر صور خیال در شعر او کمتر است. از جمله در بیان غلبه کفار و تحت ستم قرار گرفتن مؤمنان، مجازاً کفر و ایمان را به معنی کافران و مؤمنان آورده است، ضمن اینکه در همین بیت، نبودن عرق مسلمانی در تن، کنایه از عدم حمیت و تعصب دینی است:

سر به سر غافل و پامال شد ایمان از کفر گویا در تن ما عرق مسلمانی نیست
(دیوان، ۷۲)

در تبیین آنچه رضاخان سزاوار آن است با مجازی زیبا که در نتیجه، معنی دوگانه‌ای به سخن او بخشیده است، نوعی ذمّ شبیه به مدح آورده است:

لایق شاه بود قصر نه هر زندانی حاکم جامعه گر ملت و قانون باشد
(دیوان، ۸۱)

در بیتی که از سرور ناشی از قانون‌مداری سخن گفته، نوبت زدن را مجازاً با علاقه ملازمت به معنی پادشاهی به کار برده است:

با ادب در پیش قانون هر که زانو می‌زند چرخ نوبت را به نسام نامی او می‌زند
(دیوان، ۸۶)



در مجازدیگری هم که علاقه آن ملازمت است، «دریای خون» را در معنی انقلاب به کار برده است:

گر خدا خواهد بجوشد بحر سی‌پایان خون / می‌شوند این ناخدایان غرق در طوفان خون
(دیوان، ۱۳۵)

اکنون که نمونه‌هایی از استعاره‌ها، کنایه‌ها و مجازهای بدیع موجود در اشعار فرخی را ذکر کردیم، پاره‌ای از تشبیهات او را نیز که براساس یکی از عناصر آزادی‌خواهانه، سیاسی و یا اجتماعی ساخته شده است ذکر می‌کنیم.

از مجموع ۲۶۵ تشبیهی که در اشعار فرخی به چشم می‌خورد، تنها تعداد ۸۴ مورد آن تکراری و یا کلیشه‌ای هستند و تعداد ۱۸۱ مورد آن تشبیهات تازه و بدیع محسوب می‌شوند و این چیزی در حدود ۳۷٪ کل صور خیال موجود در غزلیات اوست. تشبیهاتی که با استفاده از عناصر آزادی‌خواهانه ساخته شده‌اند، ۶۷ مورد هستند یعنی ۲۵٪ از مجموع تشبیهات به کار گرفته شده در غزلیات او. از این آمار و ارقام چنین نتیجه می‌گیریم که فرخی دست کم در غزلیاتش شاعری است تشبیه‌گرا، به انضمام این مطلب که گرایش او به تشبیه در ۳۷٪ موارد گرایشی نو و تازه است و مسبوق به سابقه قبلی نیست و همچنین ۲۵٪ از تشبیهات او بر پایه عناصر خاصی ساخته شده‌اند که گذشته از بدیع بودن برگرفته از مسایل سیاسی، اجتماعی و بویژه آزادی‌خواهی است، که گویای اندیشه آزادی‌خواهانه و ظلم ستیز شاعر است.

از آنجایی که ذکر همه ابیاتی که چنین تشبیهات بدیعی در آنها به کار رفته است موجب اطالۀ کلام می‌شود، در پایان به ذکر چند نمونه از آنها بسنده می‌کنیم.

در بیان تحت فشار بودن دائمی افرادی که برای به دست آوردن حقوق خود اقدام جدی به عمل نمی‌آورند، آنان را به مردگانی تشبیه می‌کند که تا روز حشر تحت فشار قرار دارند:

پافشاری کن حقوق زندگان آور به دست / ورنه همچون مرده تا محشر فشار آید تورا
(دیوان، ۴۱)



دربیت زیرسرمایه‌داری رابه لگه ننگی تشبیه کرده است که باید آن را با خون شست:

شند سیه روز جهان از لگنه سرمایهداری بسایداز خون شست یکسر باختر تاخاوران را
(دیوان، ۴۶)

فرخی شیوه برخورد خود با اغنیا و بیچارگان را به نیش و نوش زنبور عسل تشبیه کرده است:

همجوز زنبور عسل هستیم چون ما، لاجرم هرغنی را نیش و هر بیچاره را نوشیم ما
(دیوان، ۴۸)

تشبیه آزادی به نهال با توجه به اینکه آزادی از جانب مستبدان مورد تهاجم قرار می‌گرفت، به صورت زیبایی در قالب یک تشبیه بلیغ چنین آمده است:

بسه صد امیدنشاندم نهال آزادی خدا کند نکند باغبان نهال مرا
(دیوان، ۴۹)

در جایی دیگر آزادی را به گلبن نوحاسته‌ای تشبیه کرده است:

آزادی اگر می‌طلبی غرقه به خون باش کاین گلبن نوحاسته بی‌خار و خسی نیست
(دیوان، ۵۹)

در یک تشبیه مرکب عدم آزادی را با وجود مجلس به مرغی تشبیه می‌کند که با اینکه در قفس نیست پایش بسته است:

با بودن مجلس بود آزادی ما محرو چون مرغ که پایسته ولی در قفسی نیست
(دیوان، ۶۰)

قطعاً یکی از ویژگی‌های شعر این دوره، آوردن عناصر مربوط به کار و کارگری در شعر است که خود محتاج بحثی مفصل است، اما آوردن این عناصر به عنوان یکی از طرفین تشبیه در واقع ساختن تشبیهی تازه است با عناصر انقلابی که فرخی نیز از این عناصر برای ساختن تشبیهات تازه بسیار سود برده است، از جمله در بیتی از یک غزل سرِ اغنیا را به «سندان» و مشت فقیران را به «چکش» تشبیه کرده است:

بر سر سخت چو سندان غنی مشت فقیر کارگر هست اگر چون چکش کارگر است
(دیوان، ۶۴)



در بیت دیگری هم مشت را به چکش تشبیه کرده است:

مهرناکس و کس تا چند پای تو نهد در بند با مشت چکش مانند، پشت همه کس ریشکن
(دیوان، ۱۳۶)

با استفاده از تشبیهی مضمور و پنهان به زیباترین شکل ممکن کیفیت مجلس شورای
فرمایشی را اینگونه بیان کرده است:

بس که از سرمایه داران مجلس ما گشته پر اعتبارش هیچ کم از دکنه صراف نیست
(دیوان، ۷۱)

چنان که پیش از این نیز گفتیم فرخی ضحاک را به عنوان مظهر ظلم و کاوه را به
عنوان مظهر آزادی خواهی، انقلاب و طبقه کارگر می‌داند و آنها را به عنوان عناصری
گویا در ساخت صورخیال شعر خود مورد استفاده قرار می‌دهد، از جمله در بیت زیر
چنین سروده است:

ضحاکِ عدو را به چکش، مغز توان کوفت سرمشق گراز کاوه حداد بگیرد
(دیوان، ۸۳)

در جایی دیگر استبداد را به ضحاک تشبیه کرده است:

لطمه ضحاک استبداد ما را خسته کرد با درفش کاویان روزی فریدون می‌شویم
(دیوان، ۱۲۲)

در بسیاری از موارد، تشبیه تشبیهات فرخی آزادی است، که آن را به چیزهای
گوناگون تشبیه کرده است، بعضی از این تشبیهات را پیشتر ذکر کردیم، و اینک
نمونه‌ای دیگر را می‌آوریم که در آن آزادی به شمع تشبیه شده است:

در این بی‌انتهای چو پا از عشق بنهادی به گرد شمع آزادی تو را پروانگی باید
(دیوان، ۸۷)

با توجه به اینکه سایه، مظهر بی‌ارزش بودن، نیستی، عدم ثبات و ناپایداری است،
فرخی استبداد را به سایه تشبیه کرده و تشبیه آزادی به گلبن را که ساخته خود اوست
بار دیگر تکرار کرده است:

در سایه استبداد پژمرده شد آزادی این گلبن نارس را بی‌ریشه نباید کرد
(دیوان، ۱۰۳)



آنکه لرزد همچو مرغ نیم بسمل صبح و شام در زمستان پیکر عریان دهقان است و بس
(دیوان، ۱۱۴)

تشبیه زبان به تیغ و یا تشبیه فرد تند زبان به شمشیر در اشعار شاعران سابقه دارد، اما تشبیه فرد تند زبان به دشنه تشبیهی بدیع است:

هنگام زیبوسی نشود حسره ما کند چون دشنه همان تند زبانیم که بودیم
(دیوان، ۱۲۳)

تشبیه فرد به کشتی و عالم وجود به دریا چندان بدیع نیست، اما وقتی فرخی این دو تشبیه را در کنار تشبیه سیاست به امواج دریا می آورد، آن تشبیهات قدیمی را هم تازه و بدیع جلوه می دهد:

مستم آن کشتی طوفانی دریای وجود که ز امواج سیاست زیر و زیر شوم
(دیوان، غزلیات، ۱۶۱)

بعضی از تشبیهات فرخی به صورت تشبیه تمثیل است که تمامی آنها بدیع هستند، اما از میان این تمثیل ها ۷ مورد تمثیل هایی هستند که یکی از طرفین آنها جزو عناصر آزادی خواهانه یا انقلابی و سیاسی است. در یکی از این تشبیهات، حمله مالک به دهقان را به حمله گرگ به آهو تشبیه کرده است:

گر ندیدی حمله مالک به دهقان ضعیف گرگ را بنگر، چسان خود را بر آهومی زند
(دیوان، ۸۶)

در تمثیل دیگری نیز دست خون آلود دهقان و داسی را که در دست اوست این گونه مشبه قرار داده است:

ماه سو با روی پر خون شفق را کن نگاه کان زداس و دست دهقانان حکایت می کند
(دیوان، ۸۷)

در تمثیل بسیار زیبای دیگری غارتگری زورمندان را به تاراج شبنم به وسیله خورشید مانند کرده است:

زورمندان را طبیعت کرده غارت پیش خلق آفتاب از این سبب تاراج شبنم می کند
(دیوان، ۱۰۰)

رفتار سرمایه داری با کارگران، مشبه تشبیه تمثیلی است که «مشبه به» آن عملکرد باز شکاری با کبوتر است:

آنچه را با کارگر سرمایه داری می کند با کبوتر پنجه باز شکاری می کند
(دیوان، ۱۰۰)



رفتار سرمایه‌داری با کارگران، مشبّه تشبیه تمثیلی است که «مشبّه به» آن عملکرد باز شکاری با کبوتر است:

آنچه را با کارگر سرمایه‌داری می‌کند با کبوتر پنجه باز شکاری می‌کند
(دیوان، ۱۰۰)

تعداد تشبیهات موجود در شعر فرخی بسیار بیش از این مواردی است که ذکر شد، اما ذکر همه آن موارد در حوصله این گفتار نیست و هدف ما نیز ذکر تمامی موارد نیست بلکه مراد ذکر این نکته است که چگونه ذکر تعداد صور خیال موجود در غزلیات فرخی که براساس عناصر آزادی‌خواهانه، انقلابی و سیاسی ساخته شده‌اند، مؤید این نکته هستند که او فردی آزادی‌خواه، روشنفکر و انقلابی بوده است؛ بنابراین به ذکر همین موارد بسنده می‌کنم و امیدوارم شاعران ارزشمندی همچون فرخی یزدی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند و ارزش فداکاریهای آنان چنان که شایسته است بویژه به نسل جوان شناسانده شود.

فهرست منابع

- ۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا: (۱۳۶۶)، صورخیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه.
- ۲- شمیسا، سیروس: (۱۳۷۹)، سبک‌شناسی شعر، تهران: انتشارات فردوسی.
- ۳- فرخی یزدی، محمد: (۱۳۵۷)، دیوان اشعار، تهران: انتشارات امیرکبیر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

